رواق

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

قدس

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

۳ شوال ۱۴۴۲ | ۱۵ می ۲۰۲۱ | سال سی و چهارم | شماره ۹۵۲۷ | ویژه نامه ۵۵

www.qudsonline.ir

امام رضا (ع): هر کس اندوه مؤمنی را بزداید، خداوند در روز قیامت، غم از دلش می زداید.
(الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰)

عکس رضوی – مسعود نوذری

رونمایی از پنجره جدید «زیارت» در رواق مبارکه دارالحجه

این پنجره گوش شنوایی دارد

صفحه های ۲ و ۴

کرونا فرصتی برای بداهت‌زدایی از مبانی ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری است

موقعیتی برای آشکار شدن دروغی به نام «انسان خودبنیاد»

۲

اعطای نشان یونسکو به مستند «میراثی از سناباد»

۴

درنگ

حجت الاسلام علیرضا شعبانی

حفظ دستاوردها؛ وظیفه مهم مؤمنان پس از ماه رمضان

ماه باعظمت و میهمانی خدا به پایان رسید، ماهی که نفس کشیدن روزه‌دار در آن عبادت و خواندن یک آیه قرآن برابر با یک ختم کامل قرآن در ماه‌های دیگر بود. امام سجاد(ع) چه زیبا ...

صفحه ۳

آن روزها

بالینگاه؛ قدیمی‌ترین محل سکونت متولیان آستان

محمدرضا انصافی: متولیانی که به طور مشخص از دوره صفویه به این سو، در حرم مطهر مستقر می‌شدند، به استثنای تعدادی از آن‌ها که از سلاله سادات رضوی بودند، عموماً ریشه مشهدی نداشتند و از این رو در این شهر مقدس صاحب مکان و موقعیتی برای سکونت نبودند. احتمالاً در همین دوره بود که برای این منظور، مکانی در کنار حرم مطهر با عنوان «بالینگاه» تأسیس شد.

براساس گزارش منشی‌قمی در «خلاصه‌التواریخ»، محل بالینگاه در ضلع شمالی دارالسیاده و پشت سر مبارک قرار داشت. البته به استثنای گزارش منشی‌قمی در این زمینه، متأسفانه اطلاعات دقیق دیگری درباره بالینگاه و ویژگی‌های آن، در اختیار نداریم. قمی در کتاب مشهور دیگرش «گلستان هنر»، به کتیبه‌ای از استاد خوشنویس «میرعلی هروی» اشاره می‌کند که در «دارالسیاده مبارکه در محاذی بالینگاه» نصب شده است. منشی‌قمی مدعی است بالینگاه قدمتی پیش از دوره صفوی دارد و دست‌کم از اوایل قرن دهم هجری وجود داشته است. اگر این گزارش را صحیح بدانیم، احتمالاً نقبای شهر مشهد یا مسئولان آستان در دوران پیش از صفویه به‌ویژه در عصر تیموری که شاهد ساخت‌وسازهای گسترده و توسعه شهر مشهد هستیم، محلی را در کنار حرم رضوی برای پذیرایی از میهمانان ویژه و احیاناً حکمرانانی که به قصد زیارت وارد شهر مشهد می‌شدند، ساخته‌اند و این مکان، همین بالینگاه بوده است. به نظر می‌رسد فضای بالینگاه آن‌قدر بزرگ بود که در کنار و گوشه آن، مقبره‌ای برای متولیان پیشین هم ساخته بودند. در گزارش منشی‌قمی آمده اسدالله اصفهانی، یکی از متولیان آستان که در سال ۹۷۰ق. بدرود حیات گفته است را در گوشه‌ای از بالینگاه دفن کرده بودند. او می‌نویسد: وقتی همایون، سلطان فراری هند برای گرفتن کمک از شاه‌طهماسب صفوی به ایران آمد، گذرش به شهر مشهد افتاد، از او در محل بالینگاه پذیرایی کردند. همایون در کشورش گرفتار شورشی شده بود که با مدد شاه صفوی آن را سرکوب کرد و این، مقدمه‌ای شد برای توسعه فرهنگ ایرانی در شبه قاره. به نوشته قمی، در سال ۹۶۴ق. هنگامی که سام‌میرزا، برادر شاه‌طهماسب صفوی به مشهد آمد، ابراهیم‌میرزا حاکم مشهد از او استقبال شایانی کرد و سام‌میرزا را در خانه بالینگاه که جای متولیان عظام بود، منزل داد. در همین سال، محمدخان تکلو، حاکم هرات نیز برای زیارت به مشهد آمد و در بالینگاه ساکن شد. با توجه به این گزارش‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که محل بالینگاه، فضای بزرگی را دربر می‌گرفت؛ آن‌قدر که افزون بر سکونت متولی، بخشی از آن را به عنوان تالار تشریفات حرم مطهر مورد استفاده قرار می‌دادند. این مکان به احتمال زیاد در دوره‌های بعد و در راستای توسعه اماکن متبرکه تخریب و فضای آن، به رواق‌های حرم مطهر اضافه شده است.

نگاهی به تاریخچه «تپه سلام» و آیین‌های فراموش شده آن

ای آفتاب حُسن به زیباییت سلام

محمدحسین نیکبخت: حتماً برای خیلی از شما خوانندگان عزیز اتفاق افتاده است؛ اینکه با اشتیاق پا در سفری زیارتی گذاشته‌اید یا اصلاً در همین مشهد، مسیر منزل تا حرم را، با پای ارادت طی کرده‌اید. اگر این تجربه شیرین را داشته باشید، آن‌وقت می‌توانید از حس و حال زمانی صحبت کنید که از دور، چشمتان به گنبد مطهر افتاده است، از روشنی چشم و پرتویی که دل را منوّر می‌کند و لب را به ذکر وا می‌دارد. این وضعیت به‌خصوص برای زائرانی که با پای پیاده از اقصی نقاط کشور به زیارت خورشید توس می‌آیند، ملموس‌تر است. فکرش را بکنید، با پاهایی که از خستگی راه ورم کرده است و شاید تاول زده باشد، از کمرکش یک تپه بالا بروید آن سوی تپه، از دور و زیر شعاع درخشان آفتاب، انعکاس نور را بر گنبد طلا ببینید؛ امکان ندارد آن خستگی تن با این شوق روحانی در نیامیزد و اشکی بر چهره شما جاری نشود. این تجربه شیرین برای بسیاری از زائران حرم رضوی که قرن‌ها پیش به عشق عتبه‌بوسی آستان مقدس رضوی به خراسان می‌آمدند و به سوی مشهدالرضا(ع) می‌شتافتند، اتفاق می‌افتاد و بازتاب این هیجان وصف‌ناپذیر، سبب پیدایش مکان‌هایی در اطراف مشهد می‌شد که به آن‌ها «تپه سلام» می‌گفتند. امروز و در صفحه نخست رواق، مانند برنامه همیشگی، قرار است از تاریخ بگوییم و این‌بار سفری به گذشته و پیشینه «تپه‌سلام» داشته باشیم.

تپه سلام‌ها

امروزه «تپه‌سلام» روستایی است از توابع دهستان میامی در بخش رضویه شهرستان مشهد؛ جایی که تا پیش از توسعه شهری و سر برکشیدن آسمانخراش‌ها و ساختمان‌های بلند اطراف حرم، نخستین مکانی بود که چشم زائران به جمال گنبد طلای حضرت روشن می‌شد. فکرش را بکنید از حدود ۲۰ کیلومتر بیرون از مشهد، می‌شد منظره دلربای گنبد طلا را دید. «تپه‌سلام» نخستین محل رؤیت گنبد و گلدسته حرم رضوی بود. لابد با خودتان فکر می‌کنید با چنین وصفی، به جای یک تپه‌سلام، باید چندین «تپه‌سلام» داشته باشیم؛ فکرتان کاملاً صحیح است؛ علاوه بر «تپه‌سلام» مشهور که پیش از روستای تاریخی طرق قرار دارد، در اطراف مشهد، از جمله در صفی‌آباد شاندیز و اطراف «گوجگی» در جاده کلات نیز تپه‌سلام‌هایی وجود داشت که به تدریج از یادها رفتند.

یک تاریخ فراموش شده

هرچند برخی گمان می‌کنند عرض سلام و ارادت زائران از فراز تپه‌سلام‌ها، پیشینه زیادی ندارد و درنهایت می‌شود رد آن را تا اوایل دوره قاجار جُست، اما واقعیت آن است که روایت‌هایی از این موضوع در متون تاریخی قرن پنجم و ششم هجری وجود دارد، منتها در آن متون از مراسم ویژه‌ای که در دوره قاجار شاهد آن هستیم، خبری نیست. اعتمادالسلطنه در کتاب ارزشمند «مطلع‌الشمس»، پیشینه «تپه‌سلام» و مراسم آن را بسیار قدیمی می‌داند و اعتقاد دارد از دیرباز چنین رسمی یعنی عرض سلام به ساحت قدسی ثامن‌الحجج(ع) هنگام ورود به نخستین چشم‌انداز حرم مطهر، مرسوم و رایج بوده است. خانیکوف، جهانگرد و مأمور دولت روسیه تزاری و آلبرت هوتوم شیندلر، مهندس آلمانی و مدیر معادن فیروزه نیشابور در دوره قاجار، هر دو در سفرنامه‌هایشان به مراسم مفصل زائران در تپه‌سلام اشاره کرده‌اند. براساس گزارش آن‌ها، در محل تپه‌سلام فعلی، روی سنگی سیاه و بلند که به صورت ایستاده در زمین نصب شده بود، متن زیارت‌نامه امام رضا(ع) را حک کرده بودند و زائران پس از قرائت این زیارت‌نامه، هفت بار به امام(ع) سلام می‌کردند. این زائران در تمام تپه‌سلام‌های اطراف مشهد به نشانه این دیدار خجسته، ستون‌هایی سنگی ساخته بودند که به‌تدریج با همکاری زائران بعدی بر ارتفاع آن‌ها افزوده می‌شد. برخی دیگر از زائران نیز به نشانه نذر و عهدی با امام هشتم(ع)، تکه پارچه‌ای را به این ستون‌ها یا درختان و خاشاک اطراف آن، می‌بستند. براساس گزارش‌های تاریخی ازجمله گزارش سفر ناصرالدین‌شاه قاجار به مشهد، رسم رایج دیگر پس از رسیدن به تپه‌سلام، چاوشی‌خوانی یا قرائت اشعاری در مدح امام رضا(ع) بود. رسیدن صدای مداح یا چاوشی‌خوان به گوش کاروانیان، آن‌ها را از رسیدن به تپه‌سلام آگاه می‌کرد. آرمین وامبری، جهانگرد و خاورشناس مجارستانی که حدود ۱۶۰ سال پیش به مشهد آمده است، در گزارش خود از این سفر، به رسم «گنبدنما» اشاره می‌کند؛ رسمی که زائر اولی‌ها پس از ورود به تپه‌سلام در انجام آن می‌کوشیدند. معمولاً کاروان‌سالار به این افراد بشارت می‌داد و از ایشان مژدگانی دریافت می‌کرد و به عنوان نخستین کسانی که چشمشان به گنبد طلای رضوی می‌افتد، آن‌ها را به بالای تپه می‌فرستاد. در اینجا بود که زائر اولی‌ها به «مشدی» یا «مشهدی» ملقب می‌شدند و از آن پس در سفر و حضر، آن‌ها را با این لقب صدا می‌کردند. تا همین ۶۰-۵۰ سال اخیر، روستاییانی که از راه دور و نزدیک به قصد زیارت به سمت مشهد می‌آمدند، در بقچه خود مقداری قند یا شیرینی می‌گذاشتند تا در تپه‌سلام پس از مشاهده گنبد طلا، به میمنت و مبارکی این رویداد، بین کاروانیان توزیع کنند.

مکان سلام یا وداع؟

گویا «تپه‌سلام» فقط مکان سلام به امام هشتم(ع) نبوده است. براساس گزارش سفرنامه‌نویسان دوره قاجار، ازجمله میرزاقهرمان امیرلشکر که «روزنامه سفر خراسان» را به رشته تحریر درآورده است، تپه‌سلام مکان وداع با حضرت ثامن‌الحجج(ع) نیز بود. برای آنان که در طول عمر فقط یک بار این فرصت را می‌یافتند تا به زیارت مضجع شریف رضوی مشرّف شوند، لحظه ورود به تپه‌سلام و آخرین وداع با امام مهربان، باید همراه با حالی ویژه بوده باشد. به هر حال، رسم و رسوم رایج در تپه‌سلام، با توسعه حمل‌ونقل شهری و همچنین گسترش ساخت‌وسازهای اطراف حرم مطهر و قرار گرفتن آن در حصار ساختمان‌های بلند که دیدنش را از تپه‌سلام غیرممکن می‌کرد، به‌تدریج منسوخ شد و تنها نامی از «تپه‌سلام» در قالب روستایی در نزدیکی مشهد باقی ماند. در سال‌های اخیر با آغاز مراسم پیاده‌روی به سوی حرم رضوی، در ماه صفر و شهادت امام رضا(ع)، برخی کاروان‌های زائران، باز هم تپه‌سلام را به عنوان نخستین مکان برای عرض ارادت به حضرت ثامن‌الحجج(ع) بر می‌گزینند و این، شاید در احیای سنت زیبای رایج در تپه‌سلام‌ها مؤثر باشد.

مجازآباد

گناه اولشان نام سیدالشهداست...

حادثه تروریستی افغانستان پس از گذشت چند روز هنوز یکی از سوژه‌های داغ فضای مجازی است. هنرمندان نیز یکی پس از دیگری آثار خود را در این خصوص در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند. «حسن روح الامین» جدیدترین تابلو نقاشی خودش را به یاد شهدای مدرسه «سیدالشهدا» در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده که تصویر آن را مشاهده می‌کنید. علیرضا قزوه نیز جدیدترین شعرش در این‌باره را با مخاطبان صفحه اینستاگرامش به اشتراک گذاشته که در ادامه آن را می‌خوانید:

هنوز می‌رسد از خاک بانگ شیونشان
چقدر ترکش اندوه ماند بر تنشان
خدای من تو خودت شاهدی و می‌بینی
پر است از آینه و نور قلب روشنشان
به کهنه پیرهن چاک چاکشان سوگند
که سرخ و سبز و سیاه است رنگ دامنشان
فرشته‌ها همگی ضجه می‌زدند آن روز
به دشت برچی کابل به وقت رفتنشان
چه شکوه‌ها که نکردند و ماند با تو عزیز
چه حرف‌ها که نگفتند و هست با من‌شان
گناه اولشان نام سیدالشهداست
گناه دومشان هم هزاره بودنشان

جهان دارد تماشا می‌کند

سوزان ساراندون، هنرپیشه آمریکایی که تا به‌حال پنج بار نامزد جایزه اسکار شده و یک بار موفق به دریافت این جایزه شده است، با انتشار تصاویری از قتل‌عام فلسطینیان توسط نظامیان صهیونیستی در صفحه توییترش نوشت: «با ملت فلسطین که از سوی اسرائیل و سازمان‌های یهودی با پاک‌سازی قومی روبه‌رو هستند و تحت ترور قرار گرفته‌اند همبستگی می‌کنیم. جهان دارد تماشا می‌کند».

دستاوردهای شماست

نجاح محمد علی، تحلیلگر برجسته عراقی در واکنش به درگیری‌های اخیر در فلسطین اشغالی، پیروزی‌های فلسطینیان را ناشی از مجاهدت‌های سردار شهید سلیمانی دانست. این کارشناس سیاسی با انتشار تصویر سردار سلیمانی در توییتر نوشته است: «در غیاب تو حاجی، یک چشم گریه می‌کند و چشم دیگر لبخند می‌زند، این دستاوردهای شماست».

«بی‌پرده با حجاب» منتشر شد نخستین کتاب تخصصی در حوزه پاسخگویی جامع به سوالات و شبهات عفاف و حجاب منتشر شد. «بی پرده با حجاب» نخستین کتاب تخصصی انتشارات تلاوت آرامش (ناشر تخصصی حوزه زن، حجاب و خانواده) در احصا و پاسخگویی جامع به سوالات و شبهات عفاف و حجاب است. همچنین در بررسی کتاب‌های موجود که به مسئله شبهات حجاب پرداخته‌اند، نمونه مشابه این اثر پژوهشی از نظر تعداد شبهات بررسی‌شده، به‌روز بودن و درنظرگرفتن نیاز مخاطب و نیز به لحاظ توجه به جامعیت، دقت و ایجاز در پاسخگویی، یافت نشد. از جمله ویژگی‌های این کتاب، پاسخگویی به بیش از ۷۰ شبهه ناظر به مسئله عفاف و حجاب است که هم از زاویه برون دینی هم از زاویه درون دینی و بصورت کوتاه، جامع و دقیق است. مسائلی همچون دوست شدن و چت کردن با جنس مخالف در فضای مجازی، تجربه‌های متعدد رابطه عاشقانه، مانع بودن حجاب برای آزادی، دوستی اجتماعی و... بخشی از شبهاتی است که در پی پرده با حجاب مطرح و پاسخ داده شده است.

دیدگاه

سیره ائمه(ع) در پشیمان کردن فردبدگو

سفره دلت که پهن شود و چند نفری سر این سفره بنشینند و از دردل‌ها و دردسرهایت با همسرت باخبر شوند، تازه اول آزمون امانتداری‌شان است. یکی تلاش می‌کند با دانش و تجربه‌های خودش راهکاری برای حل مشکل پیدا کند، دیگری پیشنهادهایی برای جلب توجه همسر و دوام خانواده می‌دهد و نفر بعدی هم ممکن است ایراد را از طرف مقابل ببیند و همین دردل ساده از دستاویزی برای بدگویی از همسرت قرار دهد.ماجرا حتی گاهی به همین‌جا ختم نمی‌شود. تو سفره دلت را جمع می‌کنی و مشکلت حل می‌شود، اما این بدگویی‌ها از همسرت نقل مجلس دیگری می‌شود و هر جا و هر زمان که تو را ببینند عیب و ایراد جدیدی از همسرت می‌تراشند و به رخت می‌کشند. می‌توانی از آن آدم بدزبان که از همسرت بدگویی می‌کند فاصله بگیری. راه‌های دیگری هم برای مقابله با این بدگویی‌ها وجود دارد؛ اما خوب است راهکار اسلام را در این گونه مواقع جویا شویم تا آداب مسلمانی‌مان را در این مواقع رعایت کرده باشیم.

مشورت به جای بدگویی

وقتی اعضای خانواده همسران در جمع میهمانی دور هم می‌نشینند و سر صحبت باز می‌شود، امکان دارد زن و شوهر جوان فرصت را غنیمت بشمارند و مشکلات و مسائل خود را با بزرگ‌ترها در میان بگذارند.اینجاست که یکی از مهم‌ترین نقش‌های خانواده همسران در قالب مشورت و نظردهی و یا دخالت و بدگویی از عروس یا داماد جلوه می‌کند. البته گاهی اوقات خانواده‌ها و والدین زن و مرد به خودشان حق می‌دهند برای حل مشکلات آن‌ها و یا پیشگیری از بروز مشکلات احتمالی، در زندگی آن‌ها دخالت کنند و با یادآوری عیب‌های همسر، مواردی را به آن‌ها آموزش دهند.در بسیاری از مواقع قصد والدین خیرخواهی است اما همین انگیزه، گاهی موجب آغاز یک اختلاف جدی در بین همسران می‌شود. چون زوج‌های جوان بیشتر علاقه دارند خودشان برای زندگی خود برنامه‌ریزی و مسائل و مشکلات را بدون دخالت دیگران حل کنند و اگر مسئله‌ای را مطرح می‌کنند انتظار پیشنهاد سازنده دارند، نه اینکه به مسئله‌شان دامن زده شود و خانواده‌ها درباره همسرشان مطالب بد و ناراحت‌کننده‌ای بگویند. به همین دلیل است که در برابر پیشنهادها و مشورت بزرگ‌ترها مقاومت می‌کنند.اصولاً دردل کردن و راهنمایی خواستن، محل امنی است که میزان خطا و اشتباه را در زندگی کم می‌کند. چون زوج‌های جوان می‌توانند از تجربه‌های چندین ساله خانواده‌های خود استفاده و راه رسیدن به زندگی آرام را هموار کنند. از طرف دیگر بدگویی اطرافیان از یکی از زوجین می‌تواند آتش فتنه و جدایی را در زندگی آن‌ها بر پا کند که البته این آتش دیر یا زود دامن فتنه‌گر را هم خواهد گرفت.مصداق این نکته حدیثی از امام صادق(ع) است که در کتاب بحارالانوار آمده: «بدگویی کردن از دیگران، خوبی‌ها را از بین می‌برد همان‌طور که آتش، هیزم را از بین می‌برد» و در عین حال در این کتاب نوشته شده خداوند به حضرت موسی(ع) وحی فرمود: «کسی که از دیگری بدگویی می‌کند، اگر توبه نکند نخستین کسی است که وارد آتش جهنم و اگر توبه کند آخرین نفری است که وارد بهشت می‌شود».

جواب بدگویان، خاموشی است

قرار بر این است آرامش خانواده حفظ شود. پس اگر یکی از آشنایان از همسرمان ایرادی گرفت یا از او بدگویی کرد، بهترین کار سکوت و گذشت است؛ چون توجه به این بدگویی‌ها و ترتیب اثر دادن به آن‌ها موجب دعوا و مشاجره با همسر می‌شود. از طرف دیگر، مشاجره با بدگو هم نتیجه‌ای جز پشیمانی و ناراحتی ندارد.بر اساس دستورات قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام و ائمه اطهار(ع)، بهترین شیوه در برابر بدگویان، سکوت است. همان‌طور که در روایتی در کتاب بحارالانوار نوشته شده شخص نادانی مدام از امام موسی کاظم(ع) و خانواده آن حضرت بد می‌گفت و این کار را در کوچه‌ها تکرار می‌کرد. برخورد امام(ع) تنها پوشاندن خشم و سکوت بود. تا اینکه آن شخص به مرور زمان متوجه عظمت شخصیت و بزرگی امام شده و از کردار بدش پشیمان شد. این راهکار می‌تواند در زمان بدگویی دیگران از همسر هم مفید باشد و به جای راه انداختن جنجال، شخص را متوجه کردار بدش کند.

رفع یک ابهام

یکی دیگر از راهکارهایی که بعضی از زوج‌های جوان برای پرهیز از بدگویی خانواده‌ها از همسرشان مطرح می‌کنند، دوری کردن از آن‌هاست. آن‌ها می‌گویند اگر کمتر با آن‌ها باشیم، کمتر بدگویی می‌شنویم و در نتیجه اساس خانواده‌مان پایدارتر می‌ماند. این راهکار هم گاهی مفید به نظر می‌رسد، چراکه در کتاب نهج الفصاحه نوشته شده رسول خدا(ص) فرموده است: «وقتی در جمعی حضور داشتی که درباره مردی بد می‌گویند، تو آن مرد را یاری کن و آن جمع را از بدگویی بازدار و آنجا را ترک کن». البته این نوع واکنش باید با احترام و ادب همراه باشد تا هم شخص بدگو را متوجه زشت بودن رفتارش کند و هم انسان بتواند از همسرش که مورد بدگویی قرار گرفته به بهترین شکل حمایت کند. به این ترتیب حرمت‌ها حفظ می‌شود.

برگرفته از پژوهش مریم مرتضوی در خبرگزاری تسنیم

ادب الرضا

این پنجره گوش شنوایی دارد

استاد محمد جواد غفورزاده(شفق) یک غزل و چند رباعی درباره «پنجره فولاد» سروده است که به مناسبت رونمایی از پنجره جدید در رواق دارالحجه حرم مطهر رضوی ، منتشر می‌شود:

دل عاشق پرواز شد ای پنجره فولاد!
پرواز دل آغاز شد ای پنجره فولاد!
هر روز که در کار دل من گره افتاد
اشکم گهر راز شد ای پنجره فولاد!
هرکس که دخیل تو شد از روی ارادت
با عشق هم‌آواز شد ای پنجره فولاد!
هر کس سَر اخلاص به دامان تو بگذاشت
چون سرو سرافراز شد ای پنجره فولاد!
صد بار در این باغ بهشتی همه دیدند
در پای تو اعجاز شد ای پنجره فولاد!
شد صحبتی از حسن جمال گل یاسین
دل قافیه پرداز شد ای پنجره فولاد!
امروز که هنگامه میلاد کریم است
درهای کرم باز شد ای پنجره فولاد
ای پنجره فولاد که از عشق سرشتی
دل می‌بری و پنجره رو به بهشتی

چند رباعی

در صحن امام ، تا مرا در یاد است
در سیر دعا سرعت بری و باد است
سنگینی صدهزار دل در هر روز
بر شانه یک پنجره فولاد است

◆

دل را نظر لطف تو بی تاب کند
مس را به خدا طلا کند، ناب کند
اشکم که چکید پشت این پنجره گفت
فولاد که دیده درد را آب کند؟

◆

اینجا هرکس حال و هوایی دارد
هر خسته دلی شور و نوایی دارد
غم‌های نگفته را بیاور با خود
این پنجره گوش شنوایی دارد
ای راحت روح بی قراران، یادت
تسبیح فرشتگان مبارک بادت
خواهم زخدا بازنگردد هرگز
قفل دلم از پنجره فولادت

محمد جواد غفورزاده- شفق- ۱۴۰۰/۲/۸

سبک زندگی

ضرورت خودآرایی در خانه در سیره رضوی

رواق- برخی تصاویر چندبعدی هستند و از هر طرف که نگاه کنی، با طرف دیگر متفاوت است؛ با انتخاب زوایای متعدد می‌توان چند منظره متفاوت از یک تصویر دید. ماجرای برخی کلمات نیز چنین‌اند. بسته به اینکه در کجای کلام و در چه جمله و شأن نزولی قرار بگیرند، تفاوت ماهوی و معنایی پیدا می‌کنند؛ مثل همین ترکیب «ظاهرسازی» که در مباحث اخلاقی، نکوهیده است و می‌توان آن را به چندگانگی شخصیتی افراد هم تعبیر کرد، اما اگر این ظاهرسازی به معنای ساختن ظاهر و نمسازی رفتاری باشد، نه‌تنها منفی نیست که مثبت نیز هست.اگر این ساختن را به معنای «آراستن» بگیریم که ارزش افزون‌تر هم می‌یابد. آراستن ظاهر برخلاف برخی پندارها نه‌تنها بد نیست که خوب هم هست. آراستن خویش که آموزه نبوی است هم وقتی هدف فرد ورود به جامعه است، پسندیده است و هم زمانی که جامعه هدف از خیابان و عموم به خانه و خصوصی تغییر می‌کند؛ یعنی مرد برای همسر خویش، خود را زیباسازی می‌کند و یا زن خود را چنان می‌آراید که اگر «خدای‌نکرده- غیاری از بیرون بر دل مرد نشسته در زلال نگاه همسر، شسته می‌شود.بله این «ظاهرسازی» بسیار هم پسندیده است. امام رضا(ع) دراین‌باره ماجرایی خواندنی دارند؛ بن‌جهم می‌گوید: نزد امام رضا(ع) رفتم. دیدم آن حضرت موهایش را خضاب‌کرده است. با تعجب گفتم: فدایت شوم موهایت را رنگ زدی؟

آن حضرت(ع) در جواب فرمودند: بی‌گمان آمادگی مردان ازجمله مواردی است که عفت زنان را فزونی می‌بخشد، زنانی که پاکدامنی را وانهاده‌اند، به این دلیل است که شوهرانشان آمادگی و خودآرایی را ترک کرده‌اند. سپس فرمود: آیا دوست داری همسرت را چون خود بی‌آرایش ببینی؟ گفت: نه، امام فرمود: آماده نبودن همین است.

آن حضرت(ع) در حدیثی دیگر به نقل از پدران خود، نزدیک به همین مضمون فرمودند: «زنان بنی‌اسرائیل از عفت و پاکی دست برداشتند و این مسئله هیچ سببی نداشت جز آنکه شوهرانشان، خود را نمی‌آراستند. سپس افزود: زن نیز از مرد همان را انتظار دارد که مرد از او دارد».

جالب اینکه به زبان‌های مختلف ما را به زیبایی خواندهاند که عطر نیز از آن جمله است و توصیه کردهاند «روی خوش» را به «بوی خوش» باید آراست. در همین راستا امام رضا(ع) استفاده از عطر را سبب انبساط روحی دانسته و می‌فرماید: «چهار چیز است که دل را باز می‌کند و غم را از بین می‌برد: عطر زدن، عسل خوردن، سواری کردن و به سبزه نظر کردن» و نیز در توصیه‌ای دیگر به مردم می‌فرمایند: «برای مرد سزاوار نیست استفاده هرروزه از بوی خوش را ترک کند؛ پس اگر نتوانست، یک روز در میان و باز اگر نتوانست، در هر جمعه خود را خوشبو سازد و هیچ‌گاه این عمل را رها نکند».

کرونا فرصتی برای بداهت‌زدایی از مبانی ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری است

آشکار شدن دروغی به نام «انسان خودبنیاد»

اسحاق سلطانی، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع) | از زمانی که رنسانس در مغرب‌زمین شروع به طلوع کرد، با قطع کردن رابطه زمین و آسمان به‌آرامی ایده‌آل‌ها و ارزش‌های خود را شکل داده و آن را در بستر تجربه انسانی متعین می‌کند. اموری مانند تساهل و آزادی از جمله ارزش‌هایی است که در این دوران به‌آرامی طرح و رفته‌رفته تبدیل به اولویت‌دارترین ارزش‌های انسانی می‌شوند. در این میان آن ارزش اساسی که منشأ و مصدر سایر ارزش‌های این ایدئولوژی است، درک انسان به‌مثابه موجودی مستقل است که بر هستی سلطه دارد.

چنین تصوری از انسان که از ابتدای رنسانس به‌واسطه اکتشافات و رشد صنعتی آغاز شد، در عصر روشنگری به اوج خود می‌رسد. در این زمان است که انسان حس می‌کند با تکیه بر عقل و توان خود می‌تواند بر سراسر هستی سلطه یابد. چنین درکی از انسان را به‌وضوح می‌توان در پاسخی که فیلسوف شهیر آلمانی، امانوئل کانت، به چیستی روشنگری ارائه می‌دهد دریافت؛ وی این عصر را این‌گونه تعریف می‌کند:«روشنگری، خروج آدمی است از نابالغی به تقصیر خویشتن خود؛ نابالغی، ناتوانی در به‌کار گرفتن فهم خویش است بدون هدایت دیگری. به تقصیر خویش است این نابالغی، وقتی که علت آن نه کمبود فهم، بلکه کمبود اراده و دلیری در به‌کار بستن آن باشد بدون هدایت دیگری. «دلیر باش در به‌کار گرفتن فهم خویش» این است شعار روشنگری».

> **خطر احساس انفعال دین در موقعیت‌های حساس امری است که باید به‌شدت نگران آن بود. مسلماً اگر موقعیت‌هایی اینچنینی که قابلیت تبدیل شدن به‌گروه مرجع در میان جامعه را دارند، استفاده نشوند به‌راحتی تبدیل به‌ضد خود می‌شوند**

با تمدنی روبه‌رو هستیم که مبنایش درک استقلالی از انسان است

اعتمادبه‌نفس پدید آمده برای انسان غربی، به‌واسطه ارتقای بسیار سریع و عمیق توان بهره‌گیری بیشتر از طبیعت، به‌آرامی این اعتقاد را در او ایجاد می‌کند که برای برطرف کردن تمامی مشکلات کافی است تنها به‌خود اعتماد کند. بنابراین انسان در این مسیر هر روز خود را مستقل‌تر و دارای سلطه‌ای بیشتر و بیشتر بر هستی درک می‌کند.

درک از انسان به‌مثابه موجودی خودبنیاد که قرار است هستی را آن‌گونه که می‌خواهد بنا به اراده خود آزادانه بیافریند، سبب می‌شود آزادی به‌مثابه ارزشی محوری در میان ارزش‌های مختلف برای ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری اولویت یابد. در مسیر تحقق سلطه انسان زاده شده در تمدن غرب، اگر فناوری مهم‌ترین ابزار تحقق سلطه بر طبیعت است، طب مدرن نیز یکی دیگر از قطعات گمشده این پازل را تدارک می‌بیند.

طب مدرن، سلطه انسان‌برانسان را محقق کرده و به این واسطه کمکی اساسی در تحقق سلطه مستقلانه انسان بر هستی می‌کند. براین‌اساس ما با تمدنی روبه‌رو هستیم که مبنای اساسی زایش، رویش، گسترش و همه‌گیری آن درک استقلالی از انسان است: درک انسان به‌مثابه موجودی که مستقلاً بر تمام هستی و ازجمله خود انسان سلطه دارد! اما باید دید چنین نگاهی در ادبیات اسلامی و قرآنی چگونه تفسیر می‌شود.

اندیشمند عالی‌مقام علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان و در ذیل آیات هبوط در سوره اعراف، وقتی به‌تفسیر چرایی سجده نکردن شیطان رجیم بر آدم و سپس اخراج شدن او از مقام قرب الهی می‌پردازد، به‌نکاتی اشاره می‌کند که به ما در درک بهتر چنین دیدگاهی در قبال انسان کمک می‌کند. او می‌گوید اینجا نخستین‌باری است که خداوند معصیت می‌شود و درواقع اینجا نقطه آغاز عصیان است. اما آنچه سبب شد شیطان از امر پروردگار تمرد کند درک استقلالی از خود بود. درواقع شیطان رجیم در عرض خداوند متعال، برای خود شأن قائل شد و پنداشت می‌تواند نسبت به امر الهی معترض باشد. چنین درکی در تمامی معاصی و انحرافات بشر نیز حضور دارد؛ چه آشکار و چه نهان.

کرونا فرصتی برای بداهت‌زدایی از ذهن انسان مدرن است

حال ما با تمدنی روبه‌رو هستیم که اساساً روی چنین مبنایی ساخته شده است؛ مبنایی که در آن انسان جای خدا نشسته است. تمدنی که نه‌تنها وجود خدا را طرد می‌کند، بلکه نسبت به‌آن لا به‌شرط شده و تنها خود را شایسته سلطنت بر هستی می‌یابد. حال در چنین مقتضایی وقتی یک بیماری همه‌گیر پدید می‌آید چه اتفاقی درحال وقوع است؟ در این شرایط انسانی که خود را در بام قدرت و سلطه و فناوری می‌یافت، می‌بیند درعین‌حال به‌واسطه یک مریضی کاملاً ناتوان شده و تمامی آن پیشرفت‌ها در سکوت فروروفته‌اند. می‌بیند تمام نظم‌هایی که در طول سالیان متمادی تدارک دیده بود به‌راحتی درحال بر باد رفتن است. اینجاست که موقعیت مواجهه تمدنی اسلام و غرب پدید می‌آید. اینجاست که موقعیت بداهت‌زدایی از کلیشه‌های دروغین تعمیق‌یافته در ناخودآگاه انسان مدرن خلق می‌شود. کرونا، خلق موقعیتی الهی است برای آشکار کردن دروغی که برای قرن‌ها به انسان باورانده شده است؛ اینکه این انسان کافی است به‌خود تکیه کند، اینکه انسان خودبنیاد بوده و نیاز به تکیه‌گاهی ندارد. حال، این انسان عمیقاً سستی تکیه‌گاه انتخابی خود را درک می‌کند و کافی است فرصت ارجاع به درون داشته باشد تا کاملاً فطری تکیه‌گاه حقیقی خود را بیابد. کرونا به‌مثابه یک ابتلای الهی دارای غایتی متعالی است. اساس ابتلای الهی برای به تصرع رساندن انسان و یادآوری فقر و احتیاج ذاتی او است. اساساً غایت هبوط انسان در مراتب هستی نیز همین نکته است.

انسانی که اشرف مخلوقات است و خلیفه الهی و تمام مخلوقات از شئون وجودی او، باید در مراتب هستی تنزل یابد تا هیچ‌یک از این موارد را مستقلاً منتسب به‌خود نبیند. او باید هبوط کند و مبتلا به عالم اعتباریات شده و خود را غرق در نیاز بیابد تا بفهمد بدون تکیه به خداوند متعال هیچ است.

در این موقعیت پدیده‌آمده انسان به‌صورت کاملاً فطری به‌سمت تجربه کردن تکیه‌گاه حقیقی خود سوق می‌یابد. هرچند در این روزها رسانه‌ها و فضای مجازی برای انسان ایرانی و غیرایرانی مهم‌ترین تهدیدی است که فرصت در خود نگریستن و ارجاع به ضمیر را از او سلب کرده و در این فرایند طبیعی خلل ایجاد می‌کنند.

خطر درک انفعال دین در موقعیت‌های حساس

البته این تنها یک موقعیت است. یک ظرف است؛ ظرفی که قابلیتی شگرف برای طیخ حقیقتی بنیادی در وجود انسان را مهیا می‌کند. اما آیا از این موقعیت تاکنون استفاده کرده‌ایم؟ آیا به این انسان کمکی شده تا در موقعیت تأملی که خداوند خلق کرده است، درواقع به تأمل پرداخته و درون خود را مورد بازبینی قرار دهد؟ مسلماً سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و نرمی که در این ایام اتخاذ شده است هیچ تناسب و هم‌راستایی با تحقق هدف ابتلای الهی نداشته است. نه‌تنها کمکی به ایجاد چنین درکی در انسان نکرده ، بلکه برعکس تنها به‌دنبال این بوده‌اند که با زدن روی دود تند و با سرگرم کردن انسان، از این ابتلا عبور کنیم. درحقیقت از همان ابتدا هدف خود را سربلند بیرون آمدن از ابتلا قرار نداده‌اند، بلکه فقط به‌انتها رساندن و خارج شدن از ابتلا را دنبال کرده‌اند. غافل از اینکه در موقعیت ابتلا، افراد یا سربلند بیرون آمده و رشد می‌کنند یا آنکه در ابتلا سقوط کرده و پس از آن دچار عواقب منفی آن خواهند بود. ابتلا حالت بینابین ندارد. ما چندان به‌دنبال به پایان رساندن سرافرازانه ابتلا در سیاست‌گذاری‌های خود نبوده‌ایم.

نقش روحانیت در نشان دادن غایت ابتلا

اما در این میان نقشی که روحانیت می‌توانست برای تحقق غایت ابتلا ایفا کند و چندان به آن پایبند نبود نیز جای تعجب دارد.

ابتلا محلی است که روحانیت لازم است به‌خاطر روحانی بودن خود وارد میدان شده و مردم را در خروج سرافرازانه از آن هدایت کند.

البته این نکته نافی زحماتی که طلاب در خدمت‌رسانی و پرستاری متحمل شدند نیست، ولی واقعیت آن است این فعالیت‌ها توانمندی دین در موقعیت‌های خطیر را آشکار نمی‌کند، چراکه آن طلبه نمی‌تواند کمکی از جهت روحانی بودن خود به جامعه کند.

حتی در جایگاه تبیین موقعیت پدیده‌آمده نیز نمی‌توان نمره قابل‌توجهی به روحانیت داد؛ این درصورتی است که این کار ابتدایی‌ترین و حداقلی‌ترین وظیفه ذاتی آن است. بالطبع در کمک به جامعه برای ارتقا ورشد آن نیز نتوانستند به‌طریق‌اولی کمک چندانی داشته باشند.

خطر احساس انفعال دین در موقعیت‌های حساس امری است که باید به‌شدت نگران آن بود. مسلماً اگر موقعیت‌هایی اینچنینی که قابلیت تبدیل شدن روحانیت به گروه مرجع در میان جامعه را دارند، استفاده نشوند به‌راحتی تبدیل به ضد خود شده و تصویری ناکارآمد و منفعل را از دین در اذهان مخابره می‌کنند.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد با توجه به اینکه به‌نظر می‌رسد غایت این ابتلای الهی چندان محقق نشده است، باید منتظر ابتلائات دیگری بود که برای شما ضروری بوده و ما را برای درک جامعه مهدوی آماده می‌کنند. تصور زمانی از عصر مهدوی داشتن، به این معنا که هرلحظه از جهت زمانی به جامعه مهدوی نزدیک می‌شویم از خطراتی است که باید از آن برحذر بود.

جامعه مهدوی و مقتضای ظهور همواره محیط بر ماست. تنها کافی است ما (جامعه دینی) رشد کرده و خود را وارد آن کنیم و این امر محقق نمی‌شود جز با درک حقیقت ابتلائات الهی که همان درک فقر و احتیاج ذاتی ماست. اگر این امر محقق شد، یعنی ظهور تحقق یافته است.

یادداشت

ضرورت خودشناسی جوانان برای موفقیت

طاهر قلی‌زاده محمدی، کارشناس سطوح عالی حوزه علمیه | دوران جوانی را می‌توان در قالب تشبیه، دوران شکوفایی زندگی انسان دانست؛ دورانی که در آن انسان از مرحله دانستنی‌های اولیه عبور کرده و در اوج قدرت جسمانی قرار گرفته و از بلوغ فکری و اجتماعی نسبی نیز برخوردار شده است؛ بنابراین ماهیت جوان را می‌توان از مسائل مورد اهمیت در جوامع مختلف دانست که اندیشمندان، ساختار بسیاری از برنامه‌ریزی‌های کلان را منوط به آن می‌کنند. نیرویی که اگر مورد توجه قرار گرفته و از ظرفیت آن در عرصه‌های مختلف استفاده صحیح شود بی‌شک اسباب رشد را نه تنها برای امروز بلکه برای فردای جامعه نیز فراهم خواهد آورد. فرصتی گذرا که نداشتن توجه صحیح به آن می‌تواند خسارت‌های متعددی را به وجود آورد. امیرالمؤمنین علی(ع) در روایتی اهمیت این دوران و همچنین مغفول ماندن آن را در بیشتر اوقات، با این عبارات تذکر می‌دهند: «شَبَابُ لا یَعْرِفُ قَضْلُهُمَا إلا مَنْ فَقَدَهُمَا الشَّبَابُ وَ العَافِیَةُ؛ دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی‌شناسد مگر کسی که آن را از دست داده باشد، یکی جوانی و دیگری تندرستی و عافیت است». (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۳۲۴)

بنابراین طبیعی است بدخواهان در جامعه‌ای نیز به دنبال تضییع و به انحراف کشاندن این ظرفیت مهم باشند؛ چنان‌که از دیرباز رهبر معظم انقلاب درباره این خطر گوشزد فرموده و جوانان و مسئولان اجرایی و برنامه‌ریز کشور را با این عبارات مورد توجه قرار می‌دادند که: «ای جوانان عزیز، دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌ای را دلسرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید این‌گونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید».

هر کس خود را کوچک انگارد، خوار شود

بدون شک جامعه‌ای که مدیران آن برای حفظ و استفاده بهینه از جوانان خود برنامه‌ای جامع‌تر و پیگیرانه‌تری ارائه نمایند می‌تواند از رشد و فرصت‌های بهتری در ارتقای سطح کیفی بهره‌مند شود و نمی‌توان همیشه برنامه‌ریزان و مدیران گذرا را انکار کرد، اما نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است تا خود انسان قدر آنچه را دارد، ندانند شاید تلاش و کوشش دیگران نیز چندان به کار نیاید و مسیر برای نابودی بازهم فراهم شود؛ چنان‌که در روایتی دیگر امیرالمؤمنین(ع) چنین می‌فرمایند: «مَنْ قَلَّ ذَلَّ؛ هر کس خود را کوچک انگارد، خوار شود». (تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص: ۳۲۱)

از این رو طبیعی است برای رسیدن به موفقیت، جوان باید ابتدا به خودشناسی دست یابد. رسیدن به پیروزی ممکن نخواهد بود مگر با پشت سر گذاشتن رنج‌ها و مشکلاتی که ممکن است طاقت‌فرسا نیز باشد اما آنچه یقینی است ممکن بودن طیّ این مسیر باوجود مشکلات متعدد است. مشکلاتی که باید با سعی و تلاش و استفاده از تجارب کسانی که پیشتر با این مسیر مواجه شده بودند، بر آن‌ها پیروز شد.به هر حال نمی‌توان این حقیقت را انکار کرد که برای تمامی انسان‌ها لحظاتی را می‌توان در نظر گرفت که در آن امکان رشد و رسیدن به موفقیت‌های چشمگیر وجود داشته باشد، چنان‌که در روایتی رسول خدا حضرت محمد(ص) می‌فرمایند: «إنَّ لِرَبِّکُمْ فِی أیَّامِ دَهْرِکُمْ نَفَحَاتٍ ألا فَتَعَرَّضُوا لَهَا؛ در طول عمر شما نسیم لطف و عنایت الهی مکرر می‌وزد، شما فرصت را از دست ندهید و خود را در معرض این الطاف قرار دهید». (بحارالانوار ج ۶۸، ص ۳۶۱)

بی‌شک یکی از بهترین زمان‌هایی که می‌توان این نسیم‌ها را در آن جست‌وجو کرد همین دوران جوانی است که در آن می‌توان فرصت‌های نابی برای رسیدن به امتیازات مختلفی یافت. چه در جنبه‌های معنوی که رسول خدا(ص) درباره آن می‌فرماید: «فَضْلُ الشَّابِّ العَابِدِ الَّذِي یَعْبُدُ فِي صِبَاهُ عَلَى الشَّیْخِ الَّذِي یَعْبُدُ بَعْدَ ما کَبُرَتْ سِنُّهُ کَفَضْلِ المُرْسَلِینَ عَلَى سَایِرِ النَّاسِ؛ برتری جوان عابدی که در جوانی‌اش عبادت کند، بر کسانی که پس از کهولت سن عبادت نماید، مانند برتری رسولان الهی بر سایر مردم است». (نهج الفصاحه ص: ۵۸۹) و چه در باب تعلیم و ارتقای دانش‌ها و مهارت‌های زندگی که در روایات دوام و پایداری آن به نوشتن بر سنگ تشبیه شده است، چنان‌که حضرت در روایتی دیگر می‌فرمایند: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ کَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الحَجَرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ کَبِیرٌ کَانَ بِمَنْزِلَةِ الْکِتَابِ عَلَى وَجْهِ المَاءِ؛ هر کس در جوانی دانش بیاموزد [از نظر پایداری] چون نقش روی سنگ است و آن‌کس که در بزرگسالی بیاموزد، آموزشش به منزله نوشتن روی آب است». (بحار الأنوار ج ۱، ص: ۲۲۲) باید قدر این فرصت‌ها را دانست پیش از آنکه از دست برود.

قطار تهران_مشهد

ما همیشه زائر مشهدیم

محمد رضا حسینی : سرش پایین بود. توی خودش غرق شده بود که در کوپه را باز کردم. فقط او بود و یک مسافر دیگر که خوابش گرفته بود. سنش به ۱۷ سال می‌خورد. قلیچه‌ای دستش بود و روی آن دست می‌کشید. توجهم به قلیچه جلب شد. «با ضامن آهو»... چه زیبا روی قلیچه نقش بسته بود. چشمانم میان گل‌ها و ترنج‌های قالی گم شده بود که همکارم به جای من گفت: «آقا بلیتتون...» پسر در ساکش دنبال بلیت می‌گشت و در همین فاصله همسرفش هم بیدار شد و بلیتش را از جیب لباسش درآورد. خوش‌آمدی به هر دو گفتم و مثل همیشه آرزوی سفرخوشی برایشان کردم و التماس دعایی هم دادم.

دلم می‌خواست باز هم قلیچه را نگاه کنم که پسر جوان خودش گفت:

◆ بفرمایید آقا خوشش میاد؟

از سادگی حرف پسر تعجب کردم.

◆ منظورت امام رضا(ع) است؟

◆ بله آقا... خواهرم گل صنم خودش بافته. چند ماهی طول کشید. مریض بود وگرنه زودتر از این تمامش می‌کرد تا نذرش ادا بشه...

◆ نذرتون قبول باشه. حتما امام هم قبول می‌کنند.

◆ به خاطر حال مادرم، نذر کرده بود اما خب...

◆ ان شاءالله که خوب میشن. نگران نباش.

لبخند تلخی می‌زند و من هم خداناگهداری می‌گویم و از آن کوپه بیرون می‌آیم. هنوز در فکر آن قلیچه، حال مادر پسر و لطف امام رضا(ع) هستم. سال‌هاست در مسیر تهران-مشهد مشغول به خدمتم. شغلم را دوست دارم و یکی از مهم‌ترین دلایلش، شاید این است که رئیس قطاری هستم که زائران حضرت را به مشهد می‌رساند. یاد مادر خودم می‌افتم. سال‌هاست دیگر ندارمش و به رحمت خدا رفته است اما همیشه دعایش این بود: «ان شاءالله خادم امام رضا باشی...». اصلاً ارادت به حضرت از همان کودکی در گوشت و پوستم بود. شاید به‌خاطر شغل و محل زندگی نمی‌توانستم در حرم آقا خدمت کنم. اما خب در حد توان، کارهایی به نیت خدمت به امام کرده بودم. این سال‌های آخرهم دلم خوش بود مقصدم مشهد است و هرچندروز زائر امام هم می‌شوم. اما در آن لحظه به ارادت آن پسر حسرت زیادی خوردم. شاید چون انگار تمام آنچه را داشت، برای پیشکشی آورده بود.

قرار که به راه‌آهن مشهد رسیدیم باز هم او را دیدم. از پله آخر قطار پایین آمد و قلیچه را در بغل گرفته بود. انگار به جانش بند بود. تازه توجهم به لباسش جلب شد. سراسر سیاه پوشیده بود. غمی هم در چهره‌اش موج می‌زد. از دور که من را دید، به سمتم آمد.

«آقا خواستم التماس دعا بگم... شما توی این راه زیاد میرین، میاین هربار سلام من و صنم رو به آقامون برسونین و برای سلامتی خواهرم دعا کنین...».

- پس مادرت چی؟

- مادرم به رحمت خدا رفته... همان پارسال که طرح این قالی را از آقارحیم گرفتم تا صنم شروع به کار کنه... نذر ما این بود قلیچه را به حرم امام برسانیم تا حال مادرمان خوب شود. اما خب از کجا معلوم که الان حالش بهتر نباشه؟ حالام بدجور نگران صنمم... تنها کسمه. اگه اون مثل مادر بره، دیگه هیچ کس رو ندارم...

دستش را آرام فشار دادم و لبخندی زدم. پسر رفت... با حاجت بزرگ و یک نذری بزرگ.

راستی چه مسئولیت بزرگی داشتم در این مسیر تهران- مشهد!

درنگ

حفظ دستاوردها؛ وظیفه مهم مؤمنان پس از ماه رمضان

حجت الاسلام علیرضا شعبانی: ماه باعظمت و میهمانی خدا به پایان رسید، ماهی که نفس کشیدن روزه‌دار در آن عبادت و خواندن یک آیه قرآن برابر با یک ختم کامل قرآن در ماه‌های دیگر بود. امام سجاد(ع) چه زیبا در ابتدای این ماه به آن سلام می‌دهد و در پایان نیز چه زیبا خداحافظی می‌کند. ایشان در دعای وداع با ماه مبارک رمضان می‌فرماید: ای ماه خدا چقدر به خاطر تو مشکلات از ما دور شد و چقدر گناهانی که از ما بخشیده شد، چقدر در این ماه دل‌ها صفا یافت؛ ما از رفتن تو غصه‌دار و ناراحت هستیم.

ما باید در این روزها با خود و خدای خود خلوت کنیم و بنگریم چه چیزی بدست آوردیم و چه چیز با ارزشی را از دست داده‌ایم. نگاهی به دل خود بیندازیم که آیا پس از یک ماه عبادت و بندگی، می‌توانیم اکنون با خداوند به راحتی صحبت کنیم؟ آیا اطاعت کردن از خداوند برایمان آسان شده است؟ در یک کلام، آیا پرهیزگار شده‌ایم؟

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایهاالذین آمنو کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» فرموده روزه همان‌طور که برای پیشینیان شما

کتاب «ماه نو، مبانی علمی رویت هلال» معرفی شد کتاب «ماه نو، مبانی علمی رویت هلال» از سوی بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی معرفی شد. این اثر با رویکرد علمی به مسئله هلال ماه، می‌کوشد با تبیین مطالب به زبان ساده، بر آگاهی‌های علمی جامعه در خصوص رؤیت ماه نو بیفزاید. ارائه ضمیمه‌ای در موضوع «مبانی فقهی رؤیت هلال و راه های ثابت شدن اول ماه» نیز از دیگرویژگی‌های این اثر است.

اخبار

اعطای نشان یونسکو به مستند «میراثی از سناباد»

مستند «میراثی از سناباد» در معرفی تاریخ هزار ساله کتابخانه، مرکز اسناد و موزه‌های آستان قدس رضوی و نفایس تاریخی آن، مورد حمایت معنوی و اعطای نشان کمیسیون ملی یونسکو ایران قرار گرفت.

به گزارش آستان نیوز، رئیس سازمان کتابخانه ها موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با بیان این مطلب گفت: تولید و ساخت مستند «میراثی از سناباد» از سال۹۸ کلید خورد که نخستین پوستر آن در آذر ۱۳۹۸ و با حضور تولیت آستان قدس رونمایی و به امضا رسید.

حجت الاسلام سید جلال حسینی با اشاره به محتوای این مستند گفت: میراثی از سناباد، معرف بخش های مختلف کتابخانه ها، اسناد و موزه های رضوی است که به تفکیک به معرفی بخش های مختلف نسخ خطی، چاپ سنگی، فهرست نویسی، مخازن کتاب، گنجینه های موزه و دیگر قسمت های این سازمان اقدام می کند.

گفتنی است بخش نخست این مستند در نوروز۱۴۰۰ طی ۱۵ قسمت از شبکه های خراسان رضوی،جام جم ۱و۲و۳پخش شد و قسمت دوم این مجموعه شامل معرفی موزه قرآن و نفایس و مرکز حفاظت و مرمت است که برای پخش از شبکه های مختلف سیما آماده شده است.

استقبال خوب از آثار «به نشر» در نخستین نمایشگاه مجازی قرآن

مدیرعامل به نشر(انتشارات آستان قدس رضوی) با اشاره به استقبال خوب علاقه مندان به کتاب از نخستین نمایشگاه مجازی قرآن کریم و همچنین محصولات این مجموعه در این آوردگاه فرهنگی، خواهان برگزاری نمایشگاه های تخصصی مختلف در مناسبت های طول سال شد.

حسین سعیدی، در گفت‌وگو با آستان نیوز برگزاری نمایشگاه‌های مجازی تخصصی کتاب و محصولات فرهنگی و قرآنی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را رویکرد مثبتی در دوران همه گیری ویروس کرونا عنوان کرد و افزود: نمایشگاه مجازی قرآن جایگزین نمایشگاه حضوری نیست، اما می تواند با اطلاع رسانی مطلوب به رونق صنعت نشر کمک کند. امیدوارم پس از شرایط کرونا نمایشگاه تخصصی قرآن کریم به دو صورت مجازی و حضوری برگزار شود.

همزمان با عید سعید فطر صورت گرفت

رونمایی از پنجره جدید «زیارت» در رواق مبارکه دارالحجه

همزمان با عید سعید فطر، پنجره جدید زیارت در رواق مبارکه دارالحجه حرم مطهر رضوی رونمایی شد.

به گزارش آستان نیوز، آیین رونمایی از پنجره جدید زیارت در رواق دارالحجه صبح ۲۳ اردیبهشت ماه همزمان با روز عید سعید فطر با حضور آیت الله سید احمد علم الهدی، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد مقدس، حجت الاسلام والمسلمین احمد مروی، تولیت آستان قدس رضوی، محمد صادق معتمدیان، استاندار خراسان رضوی و جمعی دیگر از مسئولان استانی برگزار شد.محمد مهدی برادران، مدیرعالی حرم مطهر رضوی در این مراسم گفت: در دوره مواجهه با کرونا و ایجاد محدودیت زیارت در صحن‌های حرم مطهر رضوی، اقدامات شاخصی مثل بازسازی و نورآرایی ضریح مطهر و احیای سنگ‌های باقدمت در توحیدخانه حضرت صورت گرفت که فرصت رونمایی و افتتاح آن‌ها فراهم نشد، اما تصمیم گرفتیم به مناسبت عید سعید فطر، پنجره جدید زیارت در رواق دارالحجه را رونمایی کنیم.

برادران به ویژگی‌های شاخص این پنجره اشاره کرد و گفت: پنجره زیارت رواق دارالحجه در پشت سر مبارک حضرت قرار دارد که یکی از نزدیک‌ترین مسیرهای زیارت مرقد مطهر است.

عکس رضوی – مسعود نوذری

نقش برجسته اسامی ۱۴ معصوم و صلوات خاصه

وی افزود: کل داخل پنجره به سبک لایه چینی و برجسته کاری با ورق طلا انجام شده و روی آن اسامی مبارک ۱۴ معصوم به صورت نقش برجسته از جنس برنج طراحی و آبکاری طلا شده هست. همچنین در قسمت بالای پنجره‌ها نیز صلوات خاصه حضرت رضا(ع) از جنس برنج مخصوص ساخته و آبکاری طلا شده است.

ابعاد و اجزای پنجره

به گفته برادران ابعاد این پنجره ۶ متر و ۵ سانتی متر در ۳ متر و ۴۱ سانتی متر است که با هنر قلمزنی ساخته شده و در آن هزاروه۵۵ ماسوره به کار رفته است. مدیر عالی حرم مطهر ادامه داد: طرفین ورودی‌ها نیز دارای دو درب از جنس سنگ ازاره، منطبق با سنگ‌های کار شده در رواق دارالحجه اجرا شده و در طرفین دو درب ورودی در داخل نیز به صورت یکپارچه و قدی، آیینه کاری شده است.

عرض ارادت هنرمندان به حضرت رضا(ع)

مدیر عالی حرم مطهر رضوی بیان کرد: ساخت این پنجره به همت گروه هنری، نقاشی و معماری حرم مطهر رضوی و با هنرهای قلمزنی نقره، آبکاری طلا و مصقل کاری انجام شده که همه این مراحل تحت اشراف استاد دکتر آیینه‌چیان طراحی و انجام شده است. همچنین گروه نورآرایی حرم مطهر رضوی با مدیریت مهندس مهدی دلیلیان در اجرای این کار همکاری داشته اند.

برادران با قدردانی از هنرمندانی که در ساخت این پنجره نقش‌آفرینی کرده اند، افزود: همواره هنر وسیله‌ای ماندگار برای تعظیم شعائر دینی و ابزاری برای عرض ارادات هنرمندان به ساحت قدسی ائمه معصومین(ع)، به ویژه حضرت علی بن موسی الرضا(ع) بوده و آثار هنری موجود در حرم مطهر رضوی، از جمله پنجره زیارت رواق دارالحجه، دارای این ویژگی‌های اعتقادی است.

نماز عید سعید فطر در حرم مطهر رضوی اقامه شد

به گزارش آستان نیوز، نماز عید سعید فطر با حضور زائران و مجاوران خداجو همزمان با آغاز ماه شوال در حرم مطهر رضوی به امامت آیت الله سید احمد علم الهدی، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد اقامه شد. مراسم با شکوه نماز عید فطر در حرم امام رضا(ع) از ساعت ۶:۱۵ صبح پنجشنبه با تلاوت آیات قرآن کریم آغاز شد و در ادامه کارشناس مسائل دینی مطالبی را در مورد کیفیت استهلال ماه، پرداخت فطریه و نماز عید فطر بیان کرد و پس از آن در ساعت ۷ صبح، نماز عید سعید فطر به امامت آیت الله سید احمد علم الهدی؛ امام جمعه مشهد اقامه شد.

گفتنی است، به دلیل حضور گسترده نمازگزاران در این روز و همچنین به منظور حفظ سلامت زائران و رعایت دستورالعمل های بهداشتی، صحن پیامبر اعظم(ص) و سایر صحن‌ها و دور برگردان‌های حرم مطهر رضوی با فاصله مفروش شده بود. همچنین در تمام مبادی ورودی حرم مطهر، پاک‌کننده‌های بهداشتی و برگه های نماز برای استفاده زائران توزیع شد.

عکس: صادق ذباح

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۲۰۰۱۰۰۰۶۸۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زاهدان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای دادمحمد گنگوزهی بشماره شناسنامه ۲۳۲ کد ملی ۶۱۱۹۷۵۰۰۴۵ صادره از زاهدان فرزند علی بیک در ششدانگ یکدربند مغازه به مساحت ۴۱/۶۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴۹۶۴-اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان چهارراه رسولی کوچه لاوان خیابان جامی (قدس ۲۴) موضوع سند مالکیت مشاعی به شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۲۲۰۰۱۰۰۲۹۰۵ که به نام متقاضی میباشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشار آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف: ۱۵۲ آ-۱۴۰۱۳۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم:شنبه۱۴۰۰/۰۳/۰۹

حسینعلی ملایی – رئیس ثبت اسناد املاک

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

آقای سردار تیمور شاهی به شناسنامه شماره ۷۵ کدملی ۰۷۴۹۳۴۲۷۳۰ صادره تایباد فرزند اسحق در ششدانگ یک قطعه زمین نیمه محصور مشتمل بر انباری به مساحت ۳۱۹/۲۰ مترمربع پلاک شماره ۵۰ فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت رسمی و مشاعی رحمت باغچه‌گی و قسمتی از پلاک * کلاسه ۱۲۵۴-۹۲

لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یامعترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ-۱۴۰۱۳۷۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۲/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۳/۹

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد- غلامرضا آقازاده

آگهی مزایده مال غیرمنقول کلاسه ۹۸۰۹۱۷۱

بموجب پرونده اجرائی نیابتی کلاسه فوق خانم زهرا عفتی نصرآبادی نام پدر: حبیب‌اله کدملی: ۰۷۳۲۱۸۱۷۳۹ تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۰۶/۰۱ شماره شناسنامه: ۶۳ جهت وصول تعداد پنجاه عدد سکه بهار آزادی باستناد سند ازدواج شماره ۵۰۸۴- ۱۳۹۲/۱۱/۰۷ دفترخانه ازدواج شماره ۶۷ نصرآباد استان خراسان رضوی علیه ورثه مرحوم علی اله‌پور بشرح: ۱- منصوره اله‌پور نام پدر: علی کدملی ۰۹۳۲۰۶۹۶۰۶ تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۴/۰۱ شماره شناسنامه: ۴۳۷۴۴ و ۲- محبوبه اله‌پور: نام پدر: علی کدملی: ۰۹۰۰۷۹۲۹۷۳ تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۰۳/۰۳ شماره شناسنامه: ۲۵۵۰ صادر و پس از ابلاغ اجرائیه حسب درخواست بستانکار شدنگاه اعیان پلاک ثبتی ۴۲۹۵ فرعی از ۱۲ اصلی بخش نه مشهد (چهار هزار و دویست و نود و پنج فرعی از دوازده اصلی بخش نه مشهد) به مالکیت مرحوم علی اله‌پور واقع در مشهد- کوی طلاب امت ۱۸ سمت راست یک قطعه مانده به چهارراه- شهید مفتح ۳۴/۱- پلاک ۲۸۰ بازداشت و طبق گزارش کارشناس رسمی دادگستری وارده به شماره ۱۹۸۰۱ – ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ مشخصات ملک بشرح ذیل می‌باشد:

۱- مورد بازدید یکباب منزل ویلایی مسکونی بوده که مساحت عرصه آن ۸۴/۲ مترمربع با پلاک ثبتی ۴۲۹۵ فرعی از ۴۲۸۰ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در اراضی شادکن بخش نه مشهد و موقوفه آستان قدس رضوی می‌باشد. (طبق سند دفترچه‌ای به شماره ۵۰۹۴۱۳ سری الف ۸۷)

۲- منزل مکونژ دارای سه طبقه بنا شامل زیرزمین، اول و دوم هر طبقه حدود ۵۷ مترمربع می‌باشد. دیوارها و سقف طبقات اول و دوم گچ و رنگ و دیوارهای زیرزمین سنگ، کابینت‌ها فلزی، گرمایش با بخاری گازی، سرمایش با کولرآبی و نمای ساختمان آجر سه سانتیمتری می‌باشد. یکباب سرویس بهداشتی و حمام در کنار حیاط بوده و بنا به گفته نماینده مالک اقدامات اولیه برای اخذ پایانکار انجام لیکن هنوز صادر نشده است. (در زمان بازدید منزل در اختیار همسر مالک بود). با عنایت به موقعیت محلی و منطقه‌ای، قدمت بنا، کیفیت ساخت، کاربری، دسترسی، شرایط عرضه و تقاضا و سایر عوامل مؤثر در ارزیابی، ارزش ششدانگ منزل مذکور با احتساب عدم بدهی به دستگاه‌های ذیربط معادل ۸/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برابر هشتصد و ده میلیون تومان ارزیابی و پیشنهاد می‌گردد.

حدود اجمالی آن برابرنامه مسئول بایگانی اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه پنج مشهد بدین شرح می‌باشد:

شمالاً: دیواربست بطول (۶/۰۰) شش متر به کوچه شرقاً: دیوار بدیوار بطول (۱۴/۰۰) چهارده متر به شماره چهار هزار و دویست و هشتاد فرعی جنوباً: درب و دیوار بطول (۶/۳۰) شش متر و سی سانتیمتر به خیابان غرباً: در دو قسمت اول دیوار بدیوار بطول (۸/۰۰) هشت متر به شماره چهار هزار و دویست و هشتاد فرعی دوم دیوار بدیوار بطول (۶/۰۰) شش متر به شماره چهار هزار و دویست و هشتاد فرعی

و برابر نامه واحد ثبتی وارده شماره ۵۳۶۵۵۵- ۱۳۹۹/۰۸/۰۵ پلاک ثبتی دارای بازداشت دیگری نمی‌باشد.

*برابرنامه شماره ۳۴۵۵۷۸- ۱۳۹۹/۰۹/۲۳ اداره اراضی و مستغلات آستان قدس رضوی قطعه زمین شماره ۲۸۸۱ از اراضی شادکن موضوع پلاک ثبتی ۴۲۹۵ فرعی از ۱۲- اصلی بخش ۹ مشهد به مساحت ۸۴/۲ مترمربع برابر سند اجاره شماره ۸/۲۶ -۱۳۸۸ - ۸۸۹۰۳ دفترخانه ۷۳ مشهد به شرط استفاده مسکونی در اجاره آقای علی اله‌پور فرزند قربان قرار دارد که مدت آن در پایان اردیبهشت ماه ۱۴۰۸ منقضی می‌گردد. مراتب بازداشت در پرونده امر ثبت گردید.

با توجه به قطعیت ارزیابی و با توجه به مطالبات بستانکار و هزینه‌ها طبق گزارش سهم‌بندی مأمور اجرا ۴۴۶ (چهارصد و چهل و شش) سهم مشاع از ۶۰۰ (ششصد) سهم ششدانگ پلاک ثبتی مذکور در قبال مبلغ ۶/۰۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مزایده در روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۸ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در محل شعبه دوم اجرای ثبت مشهد واقع در بلوار امام خمینی- خیابان ثبت- اداره اجرای اسناد رسمی مشهد به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد به فروش خواهد رسید. ضمنا مبلغ ۲۴۰/۸۴۰/۰۰۰ ریال حق مزایده و مبلغ ۳۰۱/۰۵۰/۰۰۰ ریال نیمعشر می‌باشد که طبق تبصره ۶ ماده ۱۲۱ آئین‌نامه اجرا پرداخت بدهی‌های مربوطه اعم از آب و برق و گاز حق انشعاب و یا حق اشتراک و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده بعهده برنده مزایده است و هزینه‌های قانونی طبق مقررات وصول خواهد شد همچنین در صورت تعطیلی روز مزایده در روز بعد از تعطیل رسمی در ساعت تعیین شده برگزار میگردد. همچنین شرکت در مزایده منوط به پرداخت ۱۰ درصد از مبلغ پایه مزایده به صندوق ثبت بوده و حضور خریدار یا نماینده قانونی آن در جلسه مزایده الزامی است. آ- ۱۴۰۱۲۷۹ م.الف ۶۶۱ تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۰/۲/۲۵

رئیس اداره اجرای اسناد ذمه مشهد- محمدرضا اجتهادی عرب

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی حوزه ثبت باخرز

نظر به دستور مواد ۱و۳قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰املاک متقاضیان ک در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴باخرز واحد ثبتی شهرستان باخرز مورد رسیدگی وتصرفات مالکانه وبلامعارض آن محرز ورای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم ب شرح ذیل آگهی می گردد

دادگستری باخرز ب شناسه ملی ۱۴۰۰۱۹۲۶۶۳۸ششدانگ یک قطعه زمین فنس کشی شده به مساحت۳۰۰،۱۲مترمربع قسمتی ازپلاک شماره ۲۰۹فرعی از۱۲۵اصلی واقع در خراسان رضوی بخش۱۴باخرز حوزه ثبت ملک باخرز ازمحل قسمتی از شادروان ابراهیم حسین زاده کردیانی کلاسه۹۸،۶

لذا ب موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسند رسمی وماده ۱۳آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت ب فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تادرصورتیکه اشخاص ذینفع به ارای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید ازتاریخ انتشار اولین آگهی تادو ماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم ورسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض مبادرت ب تقسیم دادخواست ب دادگاه عمومی محل نمایند وگواهی تقدیم دادخواست ب اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه اسست ودر صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یامعترض گواهی تقدیم دادخواست ب دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت ب صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر ب دادگاه نیست . آ-۱۴۰۱۳۶۸

تاریخ انتشارنوبت اول۱۴۰۰،۲،۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۰،۳،۹

رئیس ثبت اسناد واملاک باخرز هادی رضائی

آگهی قانون تعیین ثبت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت باخرز

نظر به دستور مواد ۱و۳قانون تعیین وتکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش۱۴باخرز واحد ثبتی شهرستان باخرز مورد رسیدگی وتصرفات مالکانه وبلامعارض آن محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

دادگستری باخرز به شناسه ملی ۱۴۰۰۱۹۲۶۶۳۸در ششدانگ ساختمان به مساحت ۲۶۵،۲۴مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۰۹فرعی از ۱۲۵اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴باخرز حوزه ثبت ملک باخرز قسمتی از مالکیت شادروان ابراهیم حسین زاده کردیانی کلاسه۹۸،۵

لذا بموجب ماده۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت ب فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم ورسید اخذ نمایند.معترضین باید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یامعترضین گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ-۱۴۰۱۳۶۹

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰،۲،۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۰،۳،۹

رئیس ثبت اسناد واملاک باخرز_هادی رضائی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰/۱۱۳مورخ۱۴۰۰/۰۱/۲۵هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اسدآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای لطف الله فتح الهی فرزند کتابعلی به شماره شناسنامه ۵ صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۴۹۸۲/۶۲ متر مربع در قسمتی از پلاک ۵۰ اصلی جهت الحاق به پلاک های ۵۰/۶۵ و ۵۰/۶۶ اصلی ملکی دیگرمتقاضی واقع دراسدآباد اراضی روستای بهراز خریداری از مالک رسمی آقای نصراله فتح الهی محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (م الف ۴۹) آ-۱۴۰۱۳۶۵

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ تاریخ انتشارنوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اسدآباد- سیروس قلی زاده

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۷۰۰-۱۴۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۰۲/۲۰ هیات به شماره کلاسه ۳۹۰-۹۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین رنجبر فرزند مرحوم موسی بشماره شناسنامه ۱۸۰۴ صادره از بجنورد در ششدانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۱۸۱/۷۶ متر مربع از پلاک ۱۵۵ اصلی واقع در اراضی کهنه کند خراسان شمالی بخش دو بجنورد به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد. آ-۱۴۰۰۹۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۲/۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۲/۲۵

علی حیدری دشت بیاض رئیس ثبت اسناد واملاک شهرستان صالح آباد

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظربه دستور مواد ۱و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰-۹-۱۳۹۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحدثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض انان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه کوچکسرا پلاک ۱۹ اصلی بخش ۱۶

۱۹۳۴۷ فرعی بنام خانم سیده زهرا تقی زاده نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۶۰،۱۴ مترمربع خریداری مع الواسطه از آقای علی اکبر ساقی به نیابت مرحومه زهرا مومنی مالک رسمی. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رأی هیئت الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خودرا به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایدو گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ ائین نامه مذکور درمورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدیدحدود، مراتب رادر اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. م الف ۱۹۹۱۱۹۹۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۵-۰۲-۱۴۰۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۸-۰۳-۱۴۰۰ آ-۱۴۰۱۳۵۳

رحمت سلمانی قادیکلائی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قائم شهر

آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۶۲۳۷۰۰۰۲۱۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک صالح آباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی نیروی انتظامی در یک باب پاسگاه به مساحت ۲۱۸۹،۲۱ متر مربع پلاک ۳۰ اصلی واقع در اراضی بنی تاک خریداری از مالک رسمی آقای هدایت رحیمی سهم الارث قدرت الله رحیمی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهدشد. آ-۱۴۰۰۹۱۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۲/۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۲/۲۵

علی حیدری دشت بیاض رئیس ثبت اسناد واملاک شهرستان صالح آباد

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰-۹-۱۳۹۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحدثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض انان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه بالا لموک پلاک ۲۳ اصلی بخش ۰۶

۴۰۲۸ فرعی بنام خورشید رستمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۳۱۲،۵۰ متر مربع خریداری مع الواسطه از خانمها فاطمه و لیلا حاجیان پاشاکلائی مالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به ارای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایدو گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ ۸۸۵۵ ۱۴۰۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰